



دانشگاه پیام نور

**واحد کرج**

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته : حقوق جزا و جرم شناسی

**موضوع**

مطالعه تطبیقی امر آمر قانونی در حقوق کیفری ایران و انگلیس

**استاد راهنما**

جناب آقای دکتر مسعود البرزی ورکی

**استاد مشاور**

جناب آقای دکتر حسین آل کجیاف

تهیه و تدوین : شهین گلی

تابستان ۱۳۹۰

## تقدیم :

این نوشته و مجموعه ناقابل را به ابوالصالح المهدی ، آرمان مجسم عدالتخواهان ذخیره جاودان الهی و نوید بخش

صبح در شب انتظار که حکومت راستینش تمامی حکومت های باطل را محو کرده و حق و عدالت را بر پا

می کند و به همسر و فرزندانم به پاس قدردانی از زحمات آنان تقدیم می نمایم.

## تقدیر :

حال که با عنایات خداوند متعال و توجهات حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) این پایان نامه به اتمام رسیده است ، بر خود لازم می دانم که از استاد راهنما جناب آقای دکتر مسعود البرزی ورکی و استاد مشاور جناب آقای دکتر حسین آل کجیاف و داوران محترم و سایر استادان بزرگوار که در طول دوران تحصیل و تحقیق با علاقه وافر و همت عالی بنده را هدایت و راهنمایی فرمودند و در رفع نواقص با سعه صدر یاری نمودند تقدیر و تشکر نمایم و همچنین از ریاست محترم دانشگاه و معاونان ایشان و سایر عزیزانی که در این محفل علم و ایمان برای دانشجویان به انحاء مختلف خدمت می نمایند قدردانی کنم. جا دارد از مسئولان کتابخانه های دانشگاه تهران ، دانشگاه تربیت مدرس ، دانشگاه شهید بهشتی ، کتابخانه حوزه علمیه امام صادق (ع) قزوین که همکاری لازم را با در اختیار دادن کتب مورد نیاز ایفا نمودند ، نهایت امتنان را به جا بیاورم.

چکیده:

زندگی اجتماعی صحنه تزام اراده هاست. از این رو تلاش پیوسته ای برای همسازی گروهی وجود داشته است. اطاعت از قانون، مقررات، هنجارهای اجتماعی، بنیان هم زیستی و استقرار نظم است. اطاعت داستان دیرین زندگی انسان بلکه مجردات است. ابلیس را نافرمانی پروردگار « شیطان رجیم » می کند و آدم بر سر نافرمانی خود « هبوط » کرده است.

در حاکمیت قانون، نظامی که مورد اطاعت قرار می گیرد، نظام عینی، غیر شخصی و موضوعه است. مافوق در این نظام به وسیله قانون و نظام قانونی تعیین می شود. امر آمر یا دستور مقام صلاحیتدار قانونی از مباحث مربوط به حقوق جزای عمومی و جزء علل موجهه جرم مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. علل موجهه جرم عواملی هستند که موجب زوال عنصر قانونی جرم شده، یا به عبارت دیگر موجب عدم مسئولیت کیفری عامل می شوند و منبع ایجاد آنها نصوص قانونی است. امر آمر قانونی نیز دارای چنین وضعی است. امر باید دارای صلاحیت و اختیار صدور دستور باشد مأمور نیز باید در چارچوب وظایف مکلف به اجرا بوده و یا از وظایفی باشد که قانون و مقررات به عهده او گذارده است. قانون مجازات اسلامی ایران از بین سه نظریه اطاعت کورکورانه، اطاعت آگاهانه و نظریه بینابین، نظریه اطاعت آگاهانه را پذیرفته و دستور صادره بر حسب این نظریه، نباید خلاف شرع و قانون باشد و مأمور باید مطابقت دستور آمر را با قانون و مقررات ارزیابی کند و اگر بدون بررسی دستوری را اجرا کند و جرمی مرتکب شود، نمی تواند به قاعده مشروعیت امر آمر استناد نماید. مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی در این مورد تعیین تکلیف کرده است. در حقوق انگلیس این نکته به عنوان یک اصل کلی حقوق عرفی پذیرفته شده که آشکار بودن جنبه مجرمانه دستور حد وظیفه فرمانبرداری فرد مادون را تعیین می نماید و چنانچه

دستور علناً غیر قانونی باشد مادون می تواند قضیه را به مقامات دارای مدارج بالاتر گزارش کند و یا حتی از دستور سرپیچی کند. این اصل که دستورات غیر قانونی آشکار لازم الاجرا نیست جزئی از قوانین معتبر کشور به شمار می روند و شخصی که ضمن اجرای دستور از قانون جزا تخلف کرده باشد از مجازات معاف می شود و هیچ دادگاهی وی را به جهت سرپیچی از دستوری که آشکارا غیر قانونی بوده به جرم نافرمانی محکوم نمی کند.

کلید واژه ها: امر، امر قانونی، مسئولیت کیفری.

# فهرست تفصیلی مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه.....
	<b>فصل یک : کلیات</b>
5	مبحث یک : تعاریف و مبانی امر امر قانونی.....
5	گفتار یک : تعریف امر ، عناصر و انواع آن.....
5	بند الف - تعریف امر.....
6	1- معنای لغوی امر.....
6	2- معنای اصطلاحی امر.....
6	الف - معنای اصطلاحی امر در فقه و اصول.....
8	ب - معنای اصطلاحی امر در حقوق.....
10	بند ب - عناصر امر.....
10	1- عنصر علو.....
10	2- عنصر استعلاء.....
11	بند ج - انواع امر.....
12	1- امر قانونی و غیر قانونی.....
14	2- امر اداری.....
15	گفتار دو : تعریف امر.....
15	بند الف - معنای لغوی امر.....
16	بند ب - معنای اصطلاحی امر.....
16	گفتار سه : تعریف امر قانونی.....

- 16..... بند الف - معنای لغوی امر قانونی.....
- 16..... بند ب - معنای اصطلاحی امر قانونی.....
- 17..... بند ج - شروط لازم برای تحقق عنوان امر قانونی.....
- 18..... گفتار چهارم : تعریف مسئولیت و انواع آن.....
- 18..... بند الف - تعریف مسئولیت .....
- 18..... 1- معنای لغوی مسئولیت.....
- 19..... 2- معنای اصطلاحی مسئولیت.....
- 21..... بند ب - انواع مسئولیت .....
- 21..... 1- مسئولیت اخلاقی.....
- 21..... 2- مسئولیت اداری.....
- 22..... 3- مسئولیت کیفری و ارکان آن.....
- 23..... 4- مسئولیت قانونی.....
- 24..... 5- مسئولیت قراردادی.....
- 24..... 6- مسئولیت حقوقی.....
- 24..... مبحث دوم : امر امر قانونی و مسئولیت فرمانده .....
- 24..... گفتار یک : معنای امر امر قانونی.....
- 26..... بند الف - امر به عنوان بالاترین مقام.....
- 28..... بند ب - امر به عنوان فرمانده مستقیم یا مقام مافوق بلاواسطه.....
- 30..... گفتار دو : مسئولیت فرماندهان در قبال اعمال مجرمانه نیروهای تحت امر .....
- 32..... مبحث سه : سیر تحول تاریخی امر امر قانونی.....

### فصل دو : شرایط دستور و اشکال امر لازم الاجرا

- 38..... مبحث یک : شرایط دستور .....
- 38..... گفتار یک : شرایط صوری .....
- 38..... بند الف - امر از ناحیه امر قانونی صادر شده باشد .....

- 39..... بند ب - صلاحیت قانونی امر نسبت به صدور امر.....
- 41..... بند ج - صلاحیت قانونی مامور نسبت به اجرای فرامین.....
- 43..... بند د - خلاف شرع نبودن امر.....
- 47..... بند ه - وجود سلسله مراتب اداری بین مامور و آمر.....
- 47..... بند و - کتبی و رسمی بودن امر آمر قانونی.....
- 48..... گفتار دو : شرایط ماهوی.....
- 51..... مبحث دو : امر سلسله مراتبی لازم الاجرا.....
- 51..... گفتار یک : امر قانونی لازم الاتباع.....
- 54..... گفتار دو : امر مقام صلاحیت دار مقایر حکم شرع یا قانونی.....
- 57..... گفتار سه : حکم قانون بدون دستور مقام صلاحیتدار.....
- 58..... گفتار چهار : حکم شرع بدون آمر یا بدون قانون.....
- 60..... مبحث سه : تعارض اوامر.....
- 61..... گفتار یک : دستور آمر برتر.....
- 61..... گفتار دو : دستور متأخر.....
- 62..... گفتار سه : بررسی لغو دستور در قانون مجازات نیروهای مسلح.....

### فصل سه : ماهیت و مصادیق مسئولیت آمر و مأمور

- 68..... مبحث یک : ماهیت مسئولیت آمر و مأمور.....
- 69..... گفتار یک : مسئولیت مدنی.....
- 71..... گفتار دو : مسئولیت کیفری مأمور.....
- 74..... بند الف - آگاهی مأمور به مغایرت دستور با شرع یا قانون.....
- 74..... بند ب - عدم آگاهی مأمور نسبت به غیرقانونی بودن فرامین.....
- 80..... گفتار سه : ضمان آمر به استناد قاعده غرور.....



81.....مبحث دو : مصادیق مسئولیت آمر و مأمور.....

85.....گفتار یک : بررسی مسئولیت ضابطین در قبال دستور غیر قانونی مقام قضایی.....

87.....گفتار دو : مسئولیت کیفری مأمور تیرانداز با مصدومی که هردو مقصر باشند.....

### فصل چهار : مبانی و مصادیق معافیت مأمور از مسئولیت

92.....مبحث یک : نظریات پیرامون حدود صلاحیت مأمور در ارزیابی مطابقت امر با قانون.....

94.....گفتار یک : نظریه کورکورانه.....

98.....گفتار دو : نظریه سر نیزه آگاه.....

99.....گفتار سه : نظریه بینا بین.....

100.....مبحث دو : مبانی معافیت مأمور از مسئولیت کیفری.....

101.....گفتار یک : نظریه عامل موجهه جرم.....

101.....گفتار دو : نظریه تطبیق با قواعد عمومی حقوق جزا.....

102.....گفتار سه : نظریه عدم تحقق مسئولیت کیفری.....

108.....مبحث سه : موارد و مصادیق معافیت مأمور از مسئولیت.....

109.....گفتار یک : اشتباه مأمور.....

110.....گفتار دو : معذوریت مطلق مأمور.....

112.....گفتار سه : نحوه تعیین واجد یا فاقد مسئولیت بودن مأمور.....

113.....مبحث چهار : اشخاص مشمول عوامل موجهه جرم.....

114.....گفتار یک : افراد مورد خطاب حکم مستقیم قانون.....

115.....گفتار دو : افراد مورد خطاب حکم غیر مستقیم قانون.....

117.....نتیجه.....

123.....منابع و مأخذ.....

126.....منابع انگلیسی.....

## مقدمه :

بیان مسئله

قانونگذار جزایی، اعمال مجرمانه را تعیین یا تعریف می کند. اگر این تعاریف به طور مطلق ملاک باشد، حکم قانون متوجه طبع و ذات فعل یا ترک مجرمانه می شود، در حالی که امور حقوقی، از جمله مقررات جزایی، از موضوعات اعتباری بوده و اعتبار آن در اختیار قانون است. بنابراین ممکن است، قانون عملی را که طبع اولیه آن مجرمانه است، در مواردی جایز بلکه لازم بداند، از این رو، قانونگذار با حکم و بیان کلی، موارد اباحه جرم را مشخص و معین کرده است تا لزومی نداشته باشد، در هر مورد اطلاعات مخصوص جزایی را مقید نماید. یکی از این مصادیق، حکم قانون و دستور آمر قانونی است و به تفصیلی که در این پایان نامه، سخن خواهیم گفت عنوان جزایی را زایل می کند. امر یا دستوری که در این مقاله، مورد بررسی قرار می گیرد و مورد نظر قانونگذار واقع شده، امر یا دستور رسمی اداری و دولتی نیست لذا هرگونه رابطه آمر و ماموری را شامل نمی شود. عملی که برای اجرای قانون لازم است و ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بودهو مامور طبق قانون ملزم به اجرای آن بوده چنانچه عمل مزبور از اعمال مجرمانه باشد مرتکب مسئول آن نمی باشد. گاهی ممکن است دستورهایی که از طرف مقام مافوق صادر می شود برخلاف قوانین باشد در این صورت مامور همچنان تکلف به اطاعت از مافوق است خصوصا اینکه موضوع امر ارتکاب جرم است و یا ملازمه با آن دارد. مطالعه و بررسی تطبیقی امر آمر قانونی در مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان و مسائل مربوط به آن که موضوع کلی آن در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی است. از جمله با روشی تحلیلی توصیفی مورد توجه قرار گرفته در حقوق ایران و انگلیس :

امر امر قانونی دارای چه شرایطی است. چه کسانی حق صدور امر قانونی دارند ، امر قانونی و غیر قانونی ، مسئولیت کیفری آمر و مامور موضع بحث و سخن ما در این پایان نامه است. در نظام قانونی ، هر کارگزار قبل از هر چیز به قانون متعهد است و در تعارض بین قانون و مافوق خویش قانون را مرجح می داند.

### اهمیت ، ضرورت مسئله

هر چند به طور خلاصه و گذرا مواردی در کتب مختلف حقوق عمومی مطالبی بیان گردیده لیکن تطبیق و تبیین شرایط و ویژگی ها و مسئولیت هر یک از آمر و مامور در هر یک از حقوق ایران و انگلیس از ضروریات انجام تحقیق است به منظور پی بردن به این موضوع که کدامیک از دو نظام حقوقی در ارتباط با حقوق جزا متکاملند و منطبق با مقتضیات موضوع است از ضروریات انجام تحقیق مورد نظر است.

### سابقه پژوهش

نگاهی به پیشینه تحقیق در اقسام و تکلیف و آثار اطاعت اوامر رئیسان ، در پیش از انقلاب جز چند مقاله کلی و کوتاه و چند صفحه کوتاهتر بحث در کتاب جزای عمومی چیز بیشتری به دست نمی دهد. دکتر سمیعی در « حقوق جزا » سه صفحه را تبیین ماده ۴۲ قانون سال ۱۳۰۴ اختصاص داده است و دکتر باهر در حدود ۲ صفحه پیرامون آن بحث کرده است . دکتر علی آبادی در حقوق جنایی در حدود ده صفحه به تبیین و نقد قانون بر اساس تئوری اطاعت محدود به قانون با تطبیق با حقوق فرانسه پرداخته است.

در آثار کیفری اجرای احکام و فرامین غیر قانونی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در تالیفات حقوق جزای عمومی توجه بیشتری به بحث دیده نشده است.

در بررسی پایان نامه های تحصیلی ، در دانشگاه های شهید بهشتی ، دانشگاه تهران ، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه قم ملاحظه شد که در بررسی تحلیلی امر آمر قانونی در حقوق ایران به مسائل نسبتا کلی و عام پرداخته اند .

### سوالات پژوهش :

مهمترین پرسش هایی که در این پایان نامه به صورت تطبیق حقوق ایران و انگلیس در صدد

پاسخگویی به آنها هستیم عبارتند از:

۱- در حقوق ایران و انگلیس امر آمر قانونی با چه شرایطی از علل موجهه جرم به حساب آمده و

چه کسانی حق صدور امر قانونی را دارند؟

۲- ارتکاب عمل مامور صرفا مادی مثبت است یا ترک عمل را هم شامل می شود؟

۳- امر قانونی و غیر قانونی و مجازات مرتکبین و مسئولیت هر یک از آمر و مامور در هر یک

از دو حقوق ایران و انگلیس چگونه است؟

## فرضیه ها :

- ۱- به نظر می رسد هم در حقوق ایران و هم انگلیس تحقق امر امر قانونی مستلزم وجود شرایطی است.
- ۲- به نظر می رسد هم در حقوق ایران و انگلیس کسانی در سلسله مراتب فرماندهی و اداری در جایگاههای تعریف شده ای حق صدور امر قانونی را داشته و مشابهت هایی در مجازات مرتکبین و مسئولیت هر یک از امر و مامور وجود دارد .
- ۳- به نظر می رسد هم در حقوق ایران و انگلیس عمل مامور فعل مادی مثبت است و مشابهت هایی بین امر قانونی و غیر قانونی وجود دارد.

## روش تحقیق و سازماندهی آن :

روش پژوهش در این پایان نامه، تحلیلی، توصیفی و سازماندهی آن در دو مرحله است. با جستجو در منابع و مصادر مرتبط و مراجعه به کتابخانه ها، آرشیو مراکز آموزشی و تحقیقاتی، دانشگاهها، مجلات، تقریرات علمی، رسانه ها، منابع فقهی اطلاعات لازم گردآوری شده و پس از فیش برداری از موضوعات مربوطه ترجمه و دسته بندی، تنظیم و تدوین مطالب با ذکر مقدمه در چهار فصل که در فصل اول به بیان کلیات و تعاریف و مفاهیم ، در فصل دوم شرایط دستور در فصل سوم ماهیت و مصادیق مسئولیت امر و مامور، در فصل چهارم مبانی و مصادیق معافیت مامور از مسئولیت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است .



## فصل یک: کلیات

مبحث یک: تعاریف و مبانی امر آمر قانونی

گفتار یک: تعریف امر، عناصر و انواع آن

### بند الف) تعریف امر

امر کلمه ای است عربی که به معنای (دستور) فرمان، دستور دادن و فرمودن آمده است. در فرهنگ لاروس در مقابل واژه «أَمْرٌ» آمده است: (او را در قیام به کاری تکلیف فرمود و دستور داد. به او برای امری اشاره کرد).

در المنجد در مقابل این واژه آمده است (( طلب منه فعل شیئی او انشاء...)) یعنی از او انجام کاری یا ایجاد چیزی را خواست.

امر- (أَمْرَةٌ-أَمْرًا و إِمَارَةٌ و إِمَارًا) به او فرمان داد، امر کرد، دستور داد.

(أَمْرَةٌ-الشیءَ و بالشیءِ به او دستور انجام کاری را داد.

(الامر) ج او امر: دستور، فرمان، حکم، ج امور، امورات، شان و کارشیء، حادثه، لِأَمْرٍ مَآكَانَ كَذَا، بدان جهت چنین شد<sup>۱</sup>.

طلب فعل است از دیگری به شیوه استعلاء (= طلب برتری). معانی لغوی صیغه امر رادر شانزده مورد گرد آوردند<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - محمد بندریگی، فرهنگ جدید عربی-فارسی، ترجمه «منجد الطلاب».

<sup>۲</sup> - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، واژه امر، ص ۸۰.

- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۹۶.



به عبارت دیگر امر در مقابل نهی که امر به معنای انجام کار یا عمل است و نهی به معنی باز داشتن کسی از انجام کاری یا عملی است. ترکیب «امر شدن» به معنی «مأمور شدن» است. در اصطلاح دستور زبان فارسی امر دادن به معنی دستور دادن به انجام کاری است، که به دو قسم امر حاضر و امر غایب منقسم است. امر حاضر در مورد کاری به مخاطب است و امر غایب فرمودن کاری به غایب است. در اصطلاح زبان انگلیسی نیز order به معنی و مفهوم حکم، دستور دادن و نیز قرار، حواله کردن، مقرر داشتن آمده است.

## ۲- معنای اصطلاحی امر

### الف- معنای اصطلاحی امر در فقه و اصول

امرا خواستن موضوعی بر سبیل استعلاء یا علو تعریف کرده اند.<sup>۱</sup> مطالبه فعل که ارتکاب آن راجح باشد از طرف کسی که خود را بالاتر از طرف می شمرد و این دو قسم است.

امر دلالت بر یک بار و چند بار ندارد (جوهر) نیز دلالت بر فور ندارد. امر ندبی: امری است که ترک آن مرجوح و اطاعت از آن راجح است. امر ندبی از مفهوم حقوق خارج است و در قلمرو اخلاق وارد می شود.

امر وجوبی: امری است که ترک آن جائز نمی باشد در مصداق مشتبه امر وجوبی و امر ندبی نمی توان امر را وجوبی تلقی نمود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>- شهید ثانی تمهید القواعد، ص ۱۲۱-۱۲۰، کفایه الاصول، ص ۸۳.

<sup>۲</sup>- محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، وازه امر، ص ۸۰.



امرتحمیل اراده آمر بر مأمور است به نحوی که آنچه را آمر اراده کرده است مأمور انجام دهد.

امر چیزی ناظر به ضد آن چیز نیست. در اصطلاحات حقوقی سیاسی اسلام، قدرت عمومی را امر گویند. مانند:

وشاورهم فی الامر (سوره ۳/۱۵۹) و مانند امرهم شوری بینهم (سوره ۴۲/۳۹) از این قبیل<sup>۱</sup>. است. اصطلاح اولی الامر<sup>۲</sup>.

امر یا دستور آن است که مقام بالاتر از زیردست یا شخصی پایین تر انجام کاری را بخواهد و خواست خود را با لفظی از الفاظ به وی ابلاغ کند خواه برتری خود را گوشزد کرده باشد یا نکرده باشد. این عبارت همان تعریف اصولیان از امر است که می گویند: (امر طلب عالی از دانی است چه این که عالی استعلا کند یا نکند).

با این تعریف در فرایند امر سه رکن پدید می آید از این قرار:

۱. فرمان دهنده یا امر کننده که اصطلاحاً به وی (آمر) گفته می شود.
۲. (مأمور) یعنی کسی که موظف می شود کاری را انجام دهد.
۳. کاری که انجام دادن آن از نظر آمر الزامی است. به این کار (ماموربه) گفته می شود<sup>۳</sup>. بنابراین امر دال بر طلب فعل است، به شرطی که صادر کننده این امر نسبت به مخاطب خود عالی باشد یا استعلا ورزد. چرا که اگر طلب کننده کار یا امر با مخاطب خود برابر باشد، دستور یا

۱- محمد جعفر ، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم ، ۱۳۸۰، لیتو گرافی البرز، چاپ احمدی ، ص ۸۰.  
۲- علامه سید محمد حسن ، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۴۲۴ ذیل آیه ۱۶۹ سوره بقره.  
۳- محمد جعفر ، جعفری لنگرودی ، مبسوط در ترمینولوژی حقوق ، ج اول آ-الف ، چاپ سوم ۱۳۸۶ ، لیتو گرافی البرز، چاپ احمدی.  
۳- سید محمد صدری ، مبادی فقه و اصول، ص ۹۱.

درخواست او سوال یا التماس است و اگر طلب کننده از مخاطب خود فروتر باشد، درخواست او دعا یا تضرع است<sup>۱</sup>.

### ب- معنای اصطلاحی امر در حقوق

در طلب تحقق یک موضوع خارجی به وسیله فرد دیگر اصولاً طالب از الفاظ استفاده می کند. اگر این الفاظ همراه با الزام و استعلا باشد دستور یا امر تحقق می یابد. به عبارت دیگر، شرط تحقق امر خواستن بر مبنای الزام و استعلا است<sup>۲</sup>.

هرچند الزام و ضمانت اجرا از ارکان قواعد حقوقی است و اصولاً قاعده حقوقی را قاعده ای دارای ضمانت اجرا و الزام آور تلقی می کنیم، در عین حال در نظام های حقوقی قوانین به امره و قوانین تکمیلی تقسیم می شود.

اصولاً اوامر قانونی از مقام های برتر، از ویژگی تحکّم و الزام برخوردار است. لذا باید اوامر را در نظام حقوقی حمل بر الزام و وجوب کرد. از این رو صراحت، وضوح، تعلق به موضوع معین، صدور از طرف رئیس، دقیق بودن، لازمه یک خواست آمرانه است. در بیان تعریف اصطلاحی امر به عنوان یکی از مصادیق معاونت در جرم نیز یکی از حقوقدانان می گوید: (این اصطلاح به معنی دستوری است که از طرف مقام بالا دست صادر می گردد و نشانه علو مقام صادر کننده امر است... از طرف دیگر کلمه امر نشان دهنده وجود اختیاری قانونی و اداری یا عملی نسبت به مأمور است مانند روابط بین رئیس و کارمند و روابط پدر و اولاد و زن و شوهر...)

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، سیری کامل در اصول فقه، چاپ اول، قم، انتشارات فیضیه، مبحث اوامر.  
۲- آیت الله سید روح اله امام خمینی، منابع الوصول الی علم الاصول، جز اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۳۷۳، ص ۲۴۱.



امر در اصطلاح حقوقی به دستور الزام آور قانونی می گویند.<sup>۱</sup>

در ماده ۳ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، دستور یعنی: «ابلاغ کلیه تدابیر، ابلاغیه ها، خط مشی ها و روش های جاری و دستوراتی در رابطه با اداره امور یگان سازمان در انجام مأموریت های محوله از طرف سلسله مراتب فرماندهی.»

مشخص است که دستور مرادف امر است و امر دلالت برخواست یک فعل می کند، نه ترک آن که نهی نامیده می شود چه در آیین نامه انضباطی، چه در مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصادیق جرم، ترک فعل بنا شده است که اصل نیز بر ترک نهاده شده است و از برابری و ترادف دستور با امر، اغماض و دستور را اعم از نهی و امر تلقی کرده است. مسئله ای که گاه در عرف نیز شاهد آن هستیم، مثل این که پدری خطاب به فرزندش می گوید: من به تو امر می کنم که فلان جا نروی که در واقع نهی است و بین امر و دستور یک رابطه منطقی ایجاد کرده است. که هر امری بدون قرینه، دستور است ولی همه دستورها امر نیستند بلکه گاهی دلالت بر نهی می کنند (عموم و خصوص مطلق).

---

<sup>۱</sup> - محمد جعفر ، جعفری لنگرودی ، ترمینولوژی حقوق ، ص ۸۰ شماره ۶۲۵، تهران ، گنج دانش ۱۳۸۵ ، چاپ ۱۶ .

## بند ج - عناصر امر

### ۱- عنصر علو

آنچه که از مفهوم امر به ذهن متبادر می شود، برتری و علو است. بنابراین اگر کسی در مرتبه پایین قرار دارد موضوعی را طلب کند، عرفاً به آن نمی توان امر اطلاق کرد. برتری و علو، امری اعتباری است و منشاء عقلایی دارد که به اعتبار زمان و مکان متفاوت است. میزان در تشخیص آن، نفوذ حکم و سلطه و قدرت بر مأمور است، لذا چنان چه عالی ترین مقام یک کشور در زندان باشد، خواست ها و طلب او امر تلقی نمی گردد، بلکه خواهش و التماس است. در مقابل خواست رئیس زندان نسبت به او امر است.

### ۲- عنصر استعلاء

استعلاء نیز ظاهراً در معنی امر مأخوذ است. لذا استدعای رئیس از مرئوس و یا ارشاد او امر محسوب نمی شود. چنانچه که تقاضا کردن از فرد مادون نیز امر نیست، هرچند علو و برتری موجود است. ممکن است گفته شود که علو و استعلاء به نحو قید در معنی امر، اعتبار نشده است، بلکه طلب بر دو نوع است: یک نوع آن به گونه ای است که فی نفسه برای انجام کار است، بدون این که منضم به خواستن و تقاضا باشد. در این موارد امر خود را در مکان و موقعیتی می بیند که نفس فرمان او باعث و محرک انجام کاری است و چنین چیزی از فردی برتر که در مقام ایفای فرماندهی است، سر نمی زند و این به مفهوم مأخوذ بودن علو و استعلاء در مفهوم امر نیست. اشکالی که در این نظر وارد است این است که اگر ماده امر، برای مطلق مفهوم وضع شده باشد، به عبارت دیگر معنی آن مطلق طلب یا مطلق قول خاصی باشد، این که بگوییم امر نسبت